



روان‌شناسی در قرآن

مفاهیم و آموزه‌ها

حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی

با همکاری

حجت‌الاسلام علی‌احمد پناهی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۵

کاویانی، محمد، ۱۳۴۱- .
روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها / محمد کاویانی. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
دوازده، ۳۱۶ص: جدول، نمودار. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۸۴: روان‌شناسی؛ ۲۷)
بها: ۹۸۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص[۲۸۳]–۲۸۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. قرآن — روان‌شناسی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۳ ۹ ر ۲ ک / ۲۵ / ۱۰۳ BP ۲۹۷ / ۲۸۵
شماره کتابشناسی ملی
۳۶۲۹۴۴۶



روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها

مؤلفان: حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی با همکاری حجت‌الاسلام علی‌احمد پناهی (فصل هشتم: سلامت روانی)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ ششم: بهار ۱۳۹۵ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۹۴)

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰.

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱.

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی در زمینه «درس آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن» برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم قرآن و حدیث در مقابله کارشناسی و کارشناسی ارشد فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر حجت‌الاسلام دکتر محمد کاویانی و همکار ایشان حجت‌الاسلام علی‌احمد پناهی و از ناظران گرامی اثر آیت‌الله سیدمحمد غروی و نیز دکتر علی فتاحی آشتیانی سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه یازده

فصل اول: کلیات	۱
اهداف آموزشی	۱
مراد از رهیافت قرآنی چیست؟	۲
روان‌شناسی در رهیافت قرآنی	۳
تفاوت دیدگاه‌ها و افق‌ها	۵
اهداف نظری روان‌شناسی با رهیافت قرآنی	۸
اهداف کاربردی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی	۹
ضرورت روان‌شناسی با رهیافت قرآنی	۹
روش‌شناسی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی	۱۰
جایگاه روان‌شناسی با رهیافت قرآنی در میان علوم	۱۱
پیش‌فرض‌های روان‌شناسی اسلامی	۱۳
فرضیه‌های روان‌شناختی در قرآن	۱۴
موضوعات روان‌شناختی قرآنی	۱۶
مسائل روان‌شناختی با رهیافت قرآنی	۱۹
عواطف و انفعالات از نگاه قرآن	۲۲
مفاهیم اساسی روان‌شناسی اسلامی	۲۳
رویکردهای روان‌شناسی اسلامی	۲۴
خلاصه فصل	۲۷

فصل دوم: مبانی روان‌شناسی در رهیافت قرآنی	۲۹
اهداف آموزشی	۲۹
مبانی انسان‌شناختی روان‌شناسی از دیدگاه قرآن	۳۰
مبانی هستی‌شناختی	۴۱

۴۹	 مبانی اعتقادی
۵۶	 خلاصه فصل

۵۷	 فصل سوم: احساس، ادراک و شناخت
۵۷	 اهداف آموزشی
۶۰	 ادراک حسی از دیدگاه قرآن
۶۳	 جایگاه احساس و ادراک در قرآن
۶۴	 صوت از دیدگاه قرآن
۶۶	 رنگ از دیدگاه قرآن
۶۷	 عوامل مؤثر بر ادراک و خطاهای ادراکی
۷۲	 ادراک فراحسی در قرآن
۷۲	 ۱. تسبیح‌گویی کوه‌ها همراه با داوود(ع)
۷۳	 ۲. بویایی از راه دور
۷۳	 ۳. غیب‌بینی و پیشگویی
۷۴	 ۴. وحی
۷۵	 ۵. الهام
۷۵	 ۶. رؤیای صادق
۷۶	 ۷. علم لدنی
۷۷	 فرق تله‌پاتی و مکاشفه
۷۸	 شناخت در قرآن
۸۰	 فراشناخت در قرآن
۸۲	 امور فوق ادراک در قرآن
۸۴	 خلاصه فصل

۸۵	 فصل چهارم: انگیزش در قرآن
۸۵	 اهداف آموزشی
۸۶	 مفهوم انگیزه و واژه‌های نزدیک
۸۸	 عوامل مؤثر بر انگیزش
۹۱	 تقسیم‌بندی انگیزه‌ها
۹۱	 انگیزه‌های ذاتی و اکتسابی
۹۳	 انگیزه‌های دنیوی و اخروی
۹۶	 انگیزه‌های مثبت و منفی
۹۷	 انگیزه‌های فیزیولوژیک، روان‌شناختی، اجتماعی

۹۹	تقسیم‌بندی‌های دیگر
۱۰۰	تعارض انگیزه‌ها
۱۰۱	تعارض بین انگیزه‌های مادی و معنوی
۱۰۳	کنترل و تدبیر انگیزه‌ها
۱۰۴	انحراف و کنترل انگیزه‌های ذاتی
۱۰۵	انحراف و کنترل انگیزه‌های اکتسابی
۱۰۶	انگیزه رقابت
۱۰۷	سلسله‌مراتب انگیزه‌های معنوی
۱۰۹	انگیزه پرستش
۱۱۲	خلاصه فصل

۱۱۳	فصل پنجم: رشد از دیدگاه قرآن
۱۱۳	اهداف آموزشی
۱۱۴	رشد جسمانی
۱۱۶	دوره اول: رشد پیش از تولد
۱۱۷	دوره دوم: رشد کودکی
۱۱۸	دوره سوم: رشد نوجوانی
۱۱۹	دوره چهارم: رشد جوانی
۱۱۹	دوره پنجم: رشد میانسالی
۱۲۰	دوره ششم: رشد سالمندی
۱۲۱	دوره هفتم: رشد روانی پس از مرگ
۱۲۱	رشد اخلاقی
۱۲۶	رشد متعالی
۱۲۶	تعریف رشد متعالی
۱۲۸	عناصر موجود در تعریف رشد متعالی
۱۳۰	امکان رشد متعالی
۱۳۱	شرایط و مقدمات رشد متعالی
۱۳۲	پیوستاری بودن رشد متعالی
۱۳۴	مصادق‌ها، نشانه‌ها و آثار رشد متعالی
۱۳۸	مصادق‌ها، نشانه‌ها و آثار رشد نیافتگی متعالی
۱۳۹	جهت‌گیری مثبت و منفی در رشد متعالی
۱۴۱	رابطه رشد متعالی با ابعاد دیگر رشد
۱۴۳	خلاصه فصل

۱۴۵	فصل ششم: روان‌شناسی اجتماعی (پیش‌نیازها)
۱۴۵	اهداف آموزشی
۱۴۶	تعریف روان‌شناسی اجتماعی
۱۴۶	روش تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن
۱۴۹	الف) توصیف جوامع و اقوام گذشته
۱۴۹	هنجارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی هستند
۱۵۳	برخی هنجارهای اجتماعی موجود در قرآن
۱۵۷	رفتارهای اجتماعی و میان‌فردی قرآنی
۱۵۹	قواعد کلی مربوط به ارزش‌ها و هنجارها
۱۶۱	ب) تجویزهای اجتماعی قرآن
۱۶۱	تجویز ایجابی اجتماعی در قرآن
۱۶۵	تجویز سلبی اجتماعی در قرآن
۱۶۶	ج) ارائه راهکارهای کلی برای برپایی و تقویت جامعه قرآنی
۱۷۶	خلاصه فصل

۱۷۷	فصل هفتم: روان‌شناسی اجتماعی (مفاهیم)
۱۷۷	اهداف آموزشی
۱۷۸	ادراک اجتماعی
۱۷۸	ارتباط غیر کلامی
۱۸۰	اسناد
۱۸۲	نگرش
۱۸۷	پیشداوری
۱۹۱	جاذبه‌های میان‌فردی
۱۹۲	عوامل درونی جاذبه میان‌فردی در متون اسلامی
۱۹۳	عوامل بیرونی جاذبه میان‌فردی در متون اسلامی
۱۹۵	پرخاشگری
۲۰۰	رفتار حمایتی
۲۰۰	شیوه‌های ایجاد رفتار حمایتی از دیدگاه قرآن
۲۰۱	انواع رفتار حمایتی از دیدگاه اسلام
۲۰۲	نفوذ اجتماعی
۲۰۳	همنوايي، مطلوب يا نامطلوب؟
۲۰۶	اطاعت و اجابت
۲۰۸	پویایی‌های گروه

۲۰۹	روى آورد اسلام به فعاليت گروهى
۲۱۵	خلاصه فصل
۲۱۶	فصل هشتم: سلامت روانى
۲۱۶	اهداف آموزشى
۲۱۸	مفهوم شناسى سلامت روانى در قرآن كريم
۲۲۱	اهداف سلامت روانى از ديدگاه قرآن
۲۲۲	الف) پيشگيرى
۲۲۳	ب) درمان
۲۲۴	ج) مراقبت
۲۲۵	ابعاد و مؤلفه هاى سلامت روانى در قرآن كريم
۲۲۶	نگرش ها و بازخوردهاى نسبت به خود
۲۲۷	نگرش ها و بازخوردها نسبت به ديگران
۲۲۸	نگرش ها و بازخوردها نسبت به زندگى
۲۲۸	نگرش ها و بازخوردها نسبت به خدا
۲۲۹	اساسى ترين نيازهاى انسان از نگاه قرآن
۲۲۹	نيازهاى زيستى
۲۳۱	نيازهاى روان شناختى
۲۳۴	نيازهاى معنوى
۲۳۶	ديندارى و سلامت روانى
۲۴۱	رفتارهاى اخلاقى و سلامت روانى
۲۴۴	آسيب هاى اعتقادى و اخلاقى و اختلال در سلامت روانى
۲۴۴	عوامل آسيب زا در سلامت روانى
۲۴۷	مهم ترين عوامل بيمارى روانى و روحى از نگاه قرآن
۲۵۲	خلاصه فصل
۲۵۴	فصل نهم: روان شناسى مثبت
۲۵۴	اهداف آموزشى
۲۵۵	مقدمه
۲۵۷	خود مثبت
۲۵۶	خودارزشيابى كلى (عزت نفس)
۲۶۱	خودكارامدى (اعتماد به نفس): مثبت انديشى
۲۶۲	راهبردهاى كنار آمدن با تنيدگى (استرس)

۲۶۳	هیجان‌های مثبت (گذشته و حال)
۲۶۴	- شادمانی
۲۶۷	- تفریح
۲۶۸	- رضامندی
۲۶۹	- آرامش
۲۷۱	هیجان‌های مثبت (مربوط به آینده)
۲۷۱	- امیدواری
۲۷۲	- خوش‌بینی
۲۷۳	- نگاه به آینده
۲۷۴	- اعتماد
۲۷۵	- روابط مثبت
۲۷۷	الف) رابطه مثبت در خانواده
۲۸۱	ب) دوستی
۲۸۳	ج) روابط اجتماعی
۲۸۵	رفتارهای مثبت
۲۸۷	خلاصه فصل
۲۸۸	منابع و مأخذ
۲۹۵	نمایه‌ها

مقدمه

جوامع بشری با علوم انسانی‌ای اداره می‌شود که با مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی سکولار شکل گرفته‌اند. داشتن یک جامعه اسلامی، نیز مستلزم داشتن علوم انسانی اسلامی است؛ روان‌شناسی معاصر نیز در چارچوب اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی شکل گرفته و به صورت نوشته و نانوشته، هشیار و ناهشیار، مبانی مذکور را از اثبات‌گرایی دریافت کرده است؛ در جهت اسلامی‌سازی و بومی‌سازی روان‌شناسی، در کشورهای عربی و در کشور ایران، تلاش‌های فراوانی قی چندین دهه گذشته انجام شده است؛ آن تلاش‌ها به تدریج موجبات هم‌افزایی قابل توجهی را فراهم کرده و اکنون این‌گونه تلاش‌ها، از مقیاس فردی، به مقیاس‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی ارتقا یافته است. یک نکته مهم و قابل توجه که صاحب‌نظران بر آن تأکید دارند و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نیز به کرات آن را به جامعه علمی کشور انتقال داده‌اند، این است که نباید به اصلاح و پاکسازی ظاهری روان‌شناسی (و دیگر علوم انسانی) اکتفا کنیم، چرا که این پاکسازی ظاهری فقط در حد یک مُسکِن و به صورت کوتاه‌مدت، می‌تواند بعضی از آسیب‌ها را کاهش دهد؛ بلکه ضرورت دارد روان‌شناسی را به عنوان بخشی از هندسه معرفتی اسلام تلقی کنیم؛ در این صورت، نه تنها تعارض و تناقضی بین روان‌شناسی و دیگر بخش‌های این هندسه معرفتی وجود نخواهد داشت، بلکه همچون اجزای یک مجموعه واحد، مکمل یکدیگر خواهند بود؛ به عنوان مثال، روان‌شناسی اسلامی، تخالفی با کلام اسلامی، عرفان اسلامی، سیاست اسلامی و...، نخواهد داشت، بلکه در تعاملی چندسویه، در هدفگذاری، موضوع‌شناسی، روش‌شناسی، مسئله‌شناسی و...، به کمک یکدیگر خواهند آمد و نیازهای متعدد و متکثر جوامع انسانی و اسلامی را برآورده می‌سازند.

این کتاب (که به بعضی از فصول متعارف یک کتاب روان‌شناسی عمومی پرداخته است) و کتاب دیگری که (امید است به یاری خداوند به فصول دیگر بپردازد، و) به زودی منتشر خواهد شد، نگاهی تأسیسی به روان‌شناسی با رهیافت قرآنی دارد و دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب روان‌شناختی را ترسیم می‌کند.

مفاهیم روان‌شناختی قرآن، محدود به این تعداد مفهوم نیست و نیز سخن قرآن در باب هر مفهوم روان‌شناختی، فراتر از آن است که در این کتاب آمده است. لکن ضرورت‌ها و کاربردهای ویژه مورد نظر (تهیه متن درسی دانشگاهی)، اقتضا می‌کرد که به این مقدار و به این ساختار اکتفا شود؛ در هر صورت این امکان وجود دارد که در فرصتی دیگر، بحث از مفاهیم روان‌شناختی قرآن (و مکتب روان‌شناسی اسلامی) را با ساختاری پژوهش‌محور و محتواهای مباحثه‌ای و چالش‌برانگیز به عنوان «منبع درسی» یا به عنوان «راهنمای اساتید» ارائه کرد. بدیهی است که تلاش این محقق هم، قدمی بسیار کوچک در این مسیر پررهرو محسوب می‌شود، اما بهانه خوبی است که از صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به قرآن و روان‌شناسی، درخواست راهنمایی و تصحیح داشته باشم و پیشاپیش از محبت آنان تشکر کنم.

خداوند متعال را شاکرم که توفیق نصیب فرمود تا از بین تمام اشتغالات، به این مسیر قدم گذاشته و از این زلال معرفت، جرعه‌ای بنوشم. در اینجا لازم است که از اساتید معظم آیت‌الله سیدمحمد غروی و جناب دکتر علی فتحی آشتیانی که با محبت تمام، متن اولیه این کتاب را با دقت و حوصله کامل، ملاحظه و نظرات اصلاحی ارزشمندشان را ارائه فرمودند و زمینه دقت و وزانت بیشتر این کتاب را فراهم آوردند، تشکر کنم. و نیز از فاضل گرامی، جناب حجت‌الاسلام علی‌احمد پناهی که فصل هشتم کتاب با عنوان «سلامت روان»، حاصل پژوهش ایشان است، تشکر ویژه دارم.

فصل اول

کلیات

اهداف آموزشی

- از دانشجو انتظار آن است که پس از یادگیری این فصل بتواند:
۱. مراد از رهیافت قرآنی و انطباق آن در روان‌شناسی را توضیح دهد.
 ۲. اهداف نظری و عملی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را تبیین کند.
 ۳. جایگاه روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را در میان دیگر علوم اسلامی آشکار سازد.
 ۴. پیش‌فرض‌های روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را نام ببرد و علت پیش‌فرض بودن آنها را بیان کند.
 ۵. فرضیه‌سازی از آموزه‌های قرآنی را توضیح داده و مثال بزند.
 ۶. روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را با روان‌شناسی معاصر، به لحاظ روش‌شناسی، بررسی تطبیقی کند.
 ۷. موضوعات و مسائل روان‌شناسی با رهیافت قرآنی و روان‌شناسی معاصر را بررسی تطبیقی کند.
 ۸. مفاهیم اساسی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را نام برده و بعضی از آنها را توضیح دهد.

پیش‌فرض این کتاب آن است که دانشجویان در نیمسال‌های قبل، درس‌های متعدد روان‌شناسی را خوانده و در یافته‌های روان‌شناسان معاصر سیری کلی داشته‌اند؛ بر این اساس، این کتاب در جهت مفهوم‌سازی‌های علمی - روان‌شناختی در اذهان دانشجویان، تلاش زیادی نخواهد کرد، بلکه می‌کوشد مفاهیم روان‌شناختی قرآنی را برای کسانی ارائه کند که با روان‌شناسی و مفاهیم آن آشنا هستند. از این رو فهرست محتوایی این کتاب نسبت به کتاب‌های روان‌شناسی عمومی، ممکن است در برخی مفاهیم همپوشی داشته باشد. بعضی مفاهیم نیز در روان‌شناسی معاصر هستند که در قرآن به آنها پرداخته نشده است؛ بنابراین، در این کتاب هم از آنها بحث نمی‌شود (مثل؛ پایه‌های زیستی رفتار، آمار، روش تحقیق، فیزیولوژی مغز و اعصاب و...). همچنین برخی مفاهیم روان‌شناختی نیز ممکن است از قرآن قابل استخراج باشند که در روان‌شناسی معاصر حضور ندارند (مثل ایمان، توکل، انگیزه‌ها و نیازهای معنوی، رشد متعالی و...). یکی از ویژگی‌های علوم در رهیافت قرآنی آن است که همان ویژگی‌ها، اصول، احکام و عوایدی که به خود قرآن و علوم قرآنی تعلق می‌گیرند، به علوم دیگری که با رهیافت قرآنی شکل می‌گیرند نیز تعلق می‌گیرند، بنابراین، تحقیق و تعلیم و تعلم روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، در صورتی که مورد نیاز جامعه اسلامی باشد، به عنوان یک وظیفه کفایی تلقی می‌شود و هر گاه به اندازه کافی به آن پرداخته شد، افراد دیگر وظیفه‌ای نخواهند داشت.

مراد از رهیافت قرآنی چیست؟

گفته می‌شود روان‌شناسی معاصر در چارچوب اثبات‌گرایی^۱ و تجربه‌گرایی^۲ شکل گرفته است؛ منظور این است که به صورت نوشته و نانوشته، هشیار و ناهشیار، تحت تأثیر مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناختی اثبات‌گرایی است. یعنی، اگر به پس‌زمینه‌ها و پشت‌صحنه این «روان‌شناسی» بازگردیم و دقت کنیم، به یک اثبات‌گرایی محض خواهیم رسید. مراد از «روان‌شناسی در رهیافت قرآنی» آن است که همه این مبانی براساس قرآن باشند. چنین رهیافتی، اکنون در جوامع علمی و فرهنگی ملل مختلف حضور قوی و مستمر ندارد، بلکه جریانی است که در میان ملت‌های مسلمان (که بیش از یک‌چهارم جمعیت کره زمین هستند) در کمتر از یک قرن گذشته، آرام‌آرام، جایگاهی تقریباً قوی یافته است و از آنجا که از یک سو پارادایم غالب روان‌شناسی به لحاظ ماهوی، با آن سرسبز دارد و از سوی دیگر، کشورهای مسلمان به لحاظ علمی و

1. Positivism

2. empiricism

تکنولوژی، دست برتر را نداشته‌اند، این مبانی نتوانسته‌اند خود را به اندازه کافی ابراز دارند و جایگاه مناسب خود را بیابند. پس، منظور از «رهیافت قرآنی» آن است که می‌خواهیم به صورت آگاهانه و با تلاش بسیار و قی زمان قابل توجه، مبانی قرآنی را جایگزین مبانی غیر قرآنی کنیم.

روان‌شناسی در رهیافت قرآنی

روان‌شناسی در رهیافت قرآنی، از روان‌شناسی معاصر، گسترده‌تر خواهد بود. چون در مبانی پیش‌گفته، نسبت به آنچه اکنون هست، تعمیم خواهد داشت. نگاه به انسان از بُعد جسمانی و فیزیولوژیک، به بُعد جسمانی - روحانی و از بُعد دنیایی، فقط به بُعد دنیایی - آخرتی تعمیم می‌یابد.^۱ از نگاه توصیفی^۲ صرف به نگاه توصیفی - تجویزی^۳ و ارزشی تعمیم خواهد یافت.^۴ اگر این تعمیم‌ها لحاظ شوند، در مفاهیم اساسی آنها به عنوان یک مکتب روان‌شناختی نیز تعمیم خواهیم داشت؛ یعنی در اموری چون موضوعات، مسائل، اهداف بنیادی و کاربردی، روش‌ها و...، تعمیم خواهند یافت؛ این تعمیم‌ها، در گرایش‌ها و شاخه‌های روان‌شناسی، مثل یادگیری، رشد، انگیزش و هیجان، شخصیت، اجتماعی، روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی‌های کاربردی مثل کار، صنعت، تبلیغات، تربیت، اخلاق و...، خود را نشان خواهند داد. بر این اساس، می‌توان گفت روان‌شناسی در رهیافت قرآنی، شاخه‌ای معرفتی است که به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار و فرایندهای ذهنی انسان به عنوان مخلوق الهی در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی با استفاده از منابع و روش‌های تجربی، عقلی و وحیانی می‌پردازد.

۱. به سخن دیگر، «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، تجلیات روانی انسان را از آثار و پیامدهای زیستی، فراتر برده و به آثار و پیامدهای روح نیز می‌پردازد؛ بر این اساس است که اموری همچون رؤیای صادقه، تجرید نفس، الهام، و...، درون روان‌شناسی با رهیافت قرآنی خواهند بود؛ از سوی دیگر، در نظریه‌پردازی و انسجام‌بخشی به مباحث شخصیت، انگیزش، رشد، هنجار و ناهنجار، آسیب‌شناسی، درمان و...، نیز در سطحی فراتر از دنیا، به انسان می‌نگرد. انسانی که به آخرت باور دارد، شخصیت، انگیزه‌ها، معیارهای بهنجار و نابهنجارش و...، متفاوت می‌شود.

2. descriptive

3. descriptive-prescriptive

۴. اسلام و آموزه‌های اسلامی، ترکیبی است از بیان بعضی از «هست و نیست‌ها» و بعضی «باید و نباید‌ها». همان‌گونه که آموزه‌های اسلامی اعم از گزاره‌های توصیفی و تجویزی است، علوم انسانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی نیز به همین‌گونه خواهند بود. چنان که نمی‌شود آموزه‌های اسلامی را به آموزه‌های توصیفی منحصر دانست، علوم انسانی مبتنی بر اسلام را نیز نباید به توصیف انسان منحصر دانست؛ نمی‌توان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت و... را که در رهیافت قرآنی شکل می‌گیرند، به مطالعات توصیفی منحصر کرد؛ بلکه در همه این علوم، هم توصیف واقعیت‌ها می‌شود و هم تجویز آنچه که باید باشد یا نباید باشد؛ اگر به توصیف اکتفا شد، در اسلامی بودن آنها تردید می‌شود. صحیح نیست که روان‌شناسی با رهیافت قرآنی را مدعی باشیم؛ اما آن را خالی از ارزش‌ها بدانیم.

در اینجا بیان چند قاعده کلی ضرورت دارد:

(الف) همه آموزه‌های اسلامی، اعم از اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی و...، چه در سطح علوم بنیادی و چه در سطح علوم کاربردی، به صورت یک مخروط ترسیم می‌شوند که در رأس آنها یا خداشناسی (با نگاه درون‌دینی) یا هستی‌شناسی (با نگاه برون‌دینی) قرار می‌گیرد (کاویانی، ۱۳۸۶)؛
(ب) همه این آموزه‌ها در کنار یکدیگر به صورت یک سیستم مفهومی جامع عمل می‌کنند^۱ (کاویانی، ۱۳۹۱). بسیاری از زیبایی‌های این سیستم، به جامع بودن و در کنار هم بودن اجزای آن است؛
جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست
(ج) شکل‌گیری و وجود این سیستم مفهومی، مقوله‌ای پیوستاری است؛ همه یا هیچ نیست، صفر یا یک نیست؛ بلکه بین صفر و یک است (کاویانی، ۱۳۹۱)؛

(د) این سیستم مفهومی، از قریق محتواها و روش پژوهش ویژه‌ای که در خود دارد (اجتهاد)، به تمام ابعاد زندگی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، نظر داشته و علوم و معارف بشری، به‌ویژه علوم انسانی را به‌نوعی زیر چتر خود دارد.^۲

اکنون اسلام را به عنوان مجموعه‌ای بزرگ و جامع، از معارف الهی ملاحظه می‌کنیم؛^۳ و تمام روان‌شناسی معاصر، اعم از مبانی، روبناها، پیش‌فرض‌ها، موضوعات، اهداف، روش‌ها، مسائل، کاربردها و... را به عنوان یک مجموعه یکپارچه از معارف و علوم بشری، در آموزه‌های اسلامی شناور می‌سازیم تا همچون یک فضای شیمیایی ویژه، بر آن اثر بگذارد، به گونه‌ای که به بخشی از

۱. این سیستم ویژگی‌های یک سیستم عینی را داراست. از جمله اینکه همه اجزای آن با هم در ارتباط هستند. با نبودن یا ناقص بودن یک جزء، عملکرد همه سیستم، آسیب می‌بیند و از کمال آن کاسته می‌شود و کل سیستم، چیزی بیشتر از حاصل جمع ساده اجزاست.

۲. نگاه حداکثری به اسلام این‌گونه است که همه علوم، حتی علوم طبیعی، اگر زیر چتر اسلام و در هیأت قرآنی ایجاد شده و رشد یابند، اسلامی خواهند بود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶).

۳. این مجموعه، اجزای کوچک و بزرگی دارد که از انسجام و هماهنگی برخوردار است، از کلی‌ترین دیدگاه‌ها، مثل نگرش به هستی، انسان، فیزیک و متافیزیک و... تا کوچک‌ترین و جزئی‌ترین دستورالعمل‌های اجرایی آن، مثل ضرورت مسواک زدن، انگیزه محبت به همسایه، پوشیدن لباسی خاص و... با یکدیگر تلائم و انسجام دارند. این آموزه‌های ریز و درشت، ما را برای ساختن و داشتن یک روان‌شناسی مناسب با این فضا تجهیز می‌کنند. روان‌شناسی‌ای که به لحاظ روش، اهداف، کاربردها، مسائل و... تناسب کامل با آن فضا داشته باشد. براساس این دیدگاه، دستاوردهای علمی و معرفتی بشر در طول زمان، همه اسلامی خواهند بود؛ مشروط بر اینکه در این دریا شناور شوند و اشکالات روشی، ارزشی، معرفتی و... که در آنها وجود دارند برطرف شده و نواقص آنها کامل شوند.

خود آن مجموعه بزرگ الهی تبدیل بشود؛ در این صورت، به نظر می‌رسد بخش‌هایی از آن تحلیل می‌روند و بخش‌هایی دیگر ممکن است در کنار آنها ایجاد شوند و آنچه حاصل می‌شود، تفاوت قابل توجهی خواهد داشت با آنچه هم‌اکنون وجود دارد؛ این تفاوت کمتر از ناحیه حذف خواهد بود.^۱ آنچه باعث تغییرات زیاد و مهم می‌شود، دو نوع خواهد بود: اول، تعمیم‌هایی که در ابعاد مختلف مثل مبانی، مسائل، اهداف، روش‌ها، کاربردها و... داده خواهند شد؛ دوم، تفاوتی که از ناحیه چینش مطالب و اهم و مهم بودن آنها حاصل می‌شود.^۲ در تغییر از نوع اول (تعمیم)، بعضی مفاهیم اساسی روان‌شناسی اسلامی، اضافه خواهند شد، مثل: نفس، روح، قلب، معادباوری، خداباوری، مادی و مجرد، غیب و شهود، وحی و نبوت‌باوری، ایمان؛ همچنین برخی مفاهیم روان‌شناسی معاصر نیز از منظری جدید دیده می‌شوند، مثل شخصیت، بهنجار و نابهنجار، آسیب و درمان، هدف زندگی، کمال‌خواهی، آرامش قلبی و... به قور کلی، با توجه به تفاوت‌های یادشده، مفاهیم اساسی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، با مکاتب موجود متفاوت خواهند بود.

تفاوت دیدگاه‌ها و افق‌ها

در کشورهای اسلامی عربی از حدود چهار پنج دهه قبل و در کشورهای غربی نیز هم‌اکنون آثاری تحت عنوان روان‌شناسی دینی و روان‌شناسی اسلامی یافت می‌شوند، ولی در آن موارد، انگیزه و دریافت از موضوع، در سطح فردی بوده است؛ اما اکنون جامعه علمی و فضای عمومی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در کشور ما، این احساس نیاز را از مقیاس فردی فراتر برده است.^۳

۱. دو نوع حذف از روان‌شناسی معاصر، ممکن است رخ بدهد: الف) چنان که مکاتب مختلف روان‌شناسی، یکدیگر را نقد علمی می‌کنند و باعث حذف و اضافاتی در یکدیگر می‌شوند، در رهیافت قرآنی هم ممکن است، با نقد عالمانه بعضی از نکات غیر علمی حذف شوند؛ ب) بعضی از مطالعات و کاربردهایی که ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های نژادی، سیاسی، اقتصادی و... شکل گرفته باشند نیز حذف خواهند شد.

۲. برای مثال، در روان‌شناسی معاصر به صراحت گفته نمی‌شود که انسان روح ندارد، ولی محتوای مواد درسی و ترتیب قرار گرفتن آنها و اهمیت دادن و ندادن به برخی موضوعات، یا غفلت آگاهانه از بعضی موضوعات، فضای علمی این رشته را به گونه‌ای پیش می‌برد که گویی دانشجوی مسلمان همه نیازهای علمی خود را (بدون اعتقاد به روح) برآورده شده می‌بیند؛ اما واقعیت این است که در نقاط عطف مهم (مربوط به ماهیت شناخت، فیزیولوژی مغز و اعصاب، و بعد متافیزیکی ادراک)، صورت مسئله پاک شده، نه اینکه مسئله حل شده باشد.

۳. البته در این کشور هم همه استادان و صاحب‌نظران و حتی دانشجویان، در این امر متفق نیستند، بلکه کسانی

درواقع، اصلی‌ترین حلقه انقلاب اسلامی، بازسازی و اصلاح علوم انسانی است. اگر این جامعه بتواند از این گذرگاه حساس به صورت مدبرانه و دقیق عبور کند، به گونه‌ای که هم از یافته‌های درست علوم انسانی، استفاده کرده و خود را محروم نسازد و هم در درازمدت بتواند از آسیب‌های فرهنگی آن علوم، در امان بماند، آنگاه در عمق علمی و استراتژیک و برنامه‌ریزی‌های کلان سبک زندگی نیز به عنوان الگو در جوامع دیگر، پذیرفته خواهد شد.

از دیدگاه قرآنی، در سطوح مختلف می‌شود به انسان و روح و روان انسان نگاه کرد. بررسی ماهیت روح و توانمندی‌های آن از سطوح بالای این مباحث محسوب می‌شود، برای مثال، موضوعاتی مثل معراج، وحی، تجرید روح و نیز رؤیای صادقه، از مسائل بسیار اساسی در روان‌شناسی اسلامی به حساب خواهند آمد و این توانمندی‌ها، هم از دیدگاه آموزه‌های اسلامی قابل بررسی هستند و هم از دیدگاه پژوهش‌های روان‌شناختی؛ و میدان گسترده‌ای را برای تولید علم و نظریه‌پردازی، فراروی ما می‌گشایند.^۱ با این نگاه، در بسیاری از مباحث روان‌شناسی می‌توان نظریه‌پردازی کرد که در این کتاب مورد نظر نیست.

در یک سطح، می‌توان با نگاه قرآنی، به نیازهای جامعه اسلامی نگاه کرد و روان‌شناسی را برای برطرف کردن آن نیازها به کار گرفت؛ در این صورت، روان‌شناسی موجود رنگ و بوی اسلامی پیدا می‌کند.

در سطحی دیگر می‌شود به نقد و بررسی نظریات پرداخت؛ برای مثال، یکی از تکنیک‌های درمانی به نام «تداعی آزاد» که فروید آن را ارائه کرده، از نظر اسلام مردود است، چون مستلزم خودافشایی کامل است و این امر در اسلام پذیرفته نیست؛

در سطحی دیگر ممکن است دیدگاهی را رد کرد و برای آن جایگزینی را ارائه داد، اکنون هیچ مکتبی، به عنوان تنها مکتب روان‌شناسی شناخته نمی‌شود، بلکه مکتب‌ها یکدیگر را تعدیل کرده‌اند؛ با دیدگاه قرآنی نیز می‌توان این فضای نقد و بررسی را غنی‌تر ساخت. «برای ورود به روان‌شناسی اسلامی باید سیمای ویژه‌ای از انسان را که در منابع، آیات و روایات یافت می‌شود، جستجو کنیم» (تفرشی، ۱۳۷۳). برای مثال، در بافت معناشناختی قرآن،

این دغدغه را دارند که می‌خواهند برای درازمدت، زندگی اسلامی فردی، اجتماعی، در سطوح خانواده، نهادهای اجتماعی، و در نهایت کشوری را داشته باشند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱).
 ۱. برای ارائه روان‌شناسی با رهیافت قرآنی در سطح دانشگاهی، نگاهمان به قرآن همان برداشتی است که از الفاظ خود قرآن و نظریات مفسران دریافت می‌شود؛ به سخن دیگر به دنبال لطایف و حقایق و بطون و اعماق قرآن نیستیم.

ممکن است در عقبه‌بندی اختلالات روانی (ICD, DSM) یا در معیارهای بهنجار و نابهنجار تجدید نظر شود.

و در سطحی دیگر ممکن است فراتر رفته و «روان‌شناسی رهیافت قرآنی» را به عنوان یک «مکتب روان‌شناختی» انسجام بخشید. این کار نهایی است که باعث جمع شدن همه فعالیت‌ها، در زیر یک چتر می‌شود، ابعاد مختلف آن مثل «رشد»، «انگیزش و هیجان»، «شخصیت»، «یادگیری»، «اجتماعی»، «روان‌سنجی»، «آسیب‌شناسی و درمان» و...، یکدیگر را تعدیل کرده و به عنوان یک کل یکپارچه نمود می‌یابند.

در این سطح، باید روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب منسجم ترسیم شده و مورد دفاع درست و منطقی قرار گیرد؛ اهداف، روش‌ها، مسائل، مبانی، موضوع، و جهت‌گیری‌های کلی آن به صورتی ترسیم و ارائه شوند که با نیازهای افراد و جوامع بشری، منطبق بوده^۱ و با مبانی اسلامی و تعمیم‌های ذکرشده، سازگار باشند.^۲ در این سطح، روان‌شناسی، با همان تعریف خودش^۳ باقی خواهد ماند و گرایش‌های موجود، انواع پژوهش‌های موجود نیز بر جای خود خواهند بود.

این روان‌شناسی^۴ بخشی از هندسه معرفتی اسلام خواهد بود؛ در این هندسه معرفتی، برای کسی که نگاه درون‌دینی دارد، خداشناسی در رأس آن مخروط قرار گرفته و به ترتیب در رده‌های پایین‌تر، یعنی در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت، علوم تربیتی، و همه علوم انسانی، و تمام علوم قبیعی دیده می‌شود (کاویانی، ۱۳۷۷).

۱. البته نیازهایی که با رهیافت قرآنی، نیاز تلقی می‌شوند، نه نیازهای کاذب.

۲. کسانی که نگاه منفی و سلبی در این جهت دارند، تصور درستی از روان‌شناسی با رهیافت قرآنی ندارند. شاید تصور می‌کنند روان‌شناسی با رهیافت قرآنی می‌خواهد چیزی شبیه اخلاق، یا درس‌های معارف اسلامی، یا علم‌النفس فلسفی بشود؛ این برداشت ناصواب است. در روان‌شناسی اسلامی، پژوهش‌های میدانی و آماری روان‌شناسی، پژوهش‌های زمینه‌یابی، مشاهده‌ای، روان‌سنجی و... تعطیل نخواهند شد، حتی مکتب رفتارگرایی در روان‌شناسی، مورد کم‌مهری قرار نخواهد گرفت، گفته نمی‌شود که از این پس روان‌شناسی، مأموریتی غیر از «توصیف، تبیین، پیش‌بینی، و تغییر رفتار و تظاهرات روانی» خواهد داشت. به مکتب انسان‌گرایی گفته نمی‌شود آنچه از پژوهش و یافته‌های علمی به دست آورده‌اید، ارزش ندارد؛ اما به همه آنها گفته خواهد شد که آنچه شما به دست آورده‌اید، کامل نیست؛ شما با این مقدار امکانات علمی بشری، نمی‌توانید تمام تظاهرات روانی انسان را دقیق بررسی کنید و یک روان‌شناسی کامل از انسان و رفتارهای مختلف او داشته باشید.

۳. روان‌شناسی عبارت است از علم بررسی رفتار و تجلیات روانی.

۴. که دیگر آن را علم تجربی صرف نمی‌دانیم، بلکه یک شاخه معرفتی جامع روان‌شناختی خواهد بود.

اهداف نظری روان‌شناسی با رهیافت قرآنی

هر یک از شاخه‌های معرفتی در ذیل هندسه معرفتی اسلام، اهدافی تخصصی دارند؛ اهداف تخصصی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، همان اهداف روان‌شناسی معاصر است؛ ولی کل آن هندسه معرفتی، اهداف عام و مشترکی نیز دارد که لازم است در همه شاخه‌های معرفتی حضور داشته باشند؛ برای مثال، اگر اهدافی مثل خداشناسی، خودشناسی، کمال قلبی، برقر کردن نیازهای زندگی روزمره، و... در اسلام مطرح باشند، اهداف عام روان‌شناسی در رهیافت قرآنی نیز باید در همین چارچوب باشند و مسیری خلاف آن را قی نکنند. پس، به لحاظ نظری، هدف غائی روان‌شناسی اسلامی، هرگونه معرفت‌سازی روان‌شناختی است که زیرمجموعه اهداف عام باشد، ولی برای مثال، روان‌شناسی نمی‌خواهد برای خداشناسی، استدلال فلسفی کند، بلکه می‌خواهد خداشناسی و خداباوری را از راه معارف روان‌شناختی دنبال کند. اسلام بر همه معارفی که برای رسیدن به آن اهداف لازم هستند، تأکید می‌کند، اعم از اینکه آفاقی باشند یا انفسی، قبیعی باشند یا اجتماعی یا انسانی؛ و در این میان، همه آنچه انفسی است، به‌نوعی به روان‌شناسی ارتباط می‌یابد.^۱

۱. برای مثال، به مصداق حدیث شریف «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»، شناسایی همه ظرفیت‌های روانی انسان و ابزارهایی را که خداوند برای فعلیت یافتن آنها قرار داده، لازم است؛ شناسایی فطرت، روح و نفس، ظرفیت‌های روحی بشر مثل آموختن اسماء الهی: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...» (بقره، ۳۲)؛ وحی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۖ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۖ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۖ وَجَاهُ الْمُحَرَّمِ يُغَشِّى السِّدْرَةَ مَا أَبْتَغَىٰ عَنْهَا بَصَرًا ۚ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۖ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۖ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۖ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ» (نجم، ۱۷)؛ سیر و سفر شبانه رسول خدا(ص): «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» (اسراء، ۱)، علم لدنی: «... وَكُوِّرُوا إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...» (نساء، ۸۴)، درک سخنان حیوانات: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ...» (نمل، ۱۶)، ظرفیت‌های فوق‌العاده یادگیری، حافظه، ادراک، رؤیای صادق، تجرید نفس، طی‌الارض، جابه‌جا کردن اشیا از راه دور: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...» (نمل، ۴۰) و ظرفیت‌های عاطفی او از قبیل محبت متقابل خدا و بنده: «... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...» (مائده، ۵۴)، رضایت متقابل خدا و بنده «ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَُّرْضِيَةً» (فجر، ۲۸)، غصه خوردن برای ممنوع تا سرحد جان دادن: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۷)، همه از اهداف نظری روان‌شناسی با رهیافت قرآنی محسوب می‌شوند. به همین ترتیب، ممکن است اینها تا رده‌های بعدی هم ریز شوند و اهداف نظری فراوانی را برای ما بیان کنند.

اهداف کاربردی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی

اهداف کاربردی روان‌شناسی اسلامی، تمام کاربردهایی هستند که در زندگی انسانی در یک جامعه اسلامی وجود دارند. این اهداف نیز برآمده از آموزه‌های قرآنی هستند؛ اگرچه روان‌شناسی با رهیافت قرآنی نیز به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و تغییر یا اصلاح رفتار^۱ و تجلیات روانی انسان می‌پردازد، اما انتخاب اینکه به چه موضوعی بپردازد، چه مسئله‌ای را اولویت دهد، در کدام بُعد از زندگی انسان حضوری جدی‌تر یابد، از چه روشی استفاده کند و... همه تحت تأثیر کلیت سیستم مفهومی اسلام است. روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، به لحاظ کاربرد، با کاربردهای روان‌شناسی معاصر تفاوتی ندارد و در عرصه‌های کاربردی‌ای مثل، کار، صنعت، تبلیغات، ورزش، بازار، مهد کودک، دبستان، خانواده، مراکز مشاوره، بخش‌های مختلف قوه قضاییه از پیگیری آغازین یک پرونده تا نتیجه نهایی، تفریح و اوقات فراغت و... حضور کاربردی دارد؛ تنها تفاوت در این است که در این کاربردها، جهت‌گیری متفاوت دارد؛ برای مثال، در تربیت نظامی افراد، هدف این نیست که افراد را هرچه خشن‌تر تربیت کنند، بلکه آن است که آنان را شجاع، مؤمن و فداکار بار آورند. در مهد کودک، هدف این نیست که کودکان را شهروندانی سازگار بار آورند، بلکه آنان را انسان‌هایی خدانشناس، وظیفه‌شناس، نوع‌دوست و... تربیت می‌کنند. در روان‌شناسی بازار، افراد را به گونه‌ای تربیت نمی‌کنند که هرچه بیشتر مصرف کنند، بلکه به گونه‌ای تربیت می‌کنند که هرچه بیشتر بکوشند و در حد ضرورت، مصرف کنند. به کار گرفتن روان‌شناسی به منظور تقویت روحیه توکل، نوع‌دوستی، ایثارگری از اهداف کاربردی محسوب می‌شود.

ضرورت روان‌شناسی با رهیافت قرآنی

برای داشتن یک جامعه اسلامی و زندگی اسلامی، باید به آموزه‌های اسلامی در متون اصیل و اولیه مراجعه کنیم. برای جاری شدن آن آموزه‌ها، در زندگی روزمره، لازم است چند مرحله پردازش در آن آموزه‌ها صورت پذیرد؛ اولین مرحله این است که آنچه را از قرین کلمات و واژه‌های مکتوب، دریافت و تلقی می‌کنیم، معلوم سازیم که واقعاً از سوی شارع بیان شده‌اند؛ در قدم بعد باید این یافته‌ها تبدیل به علوم اسلامی شوند، همچون، تفسیر، حدیث‌شناسی، عرفان

۱. منظور از رفتار اعم است از: رفتار غریزی (ویژه نوع) که در حیوانات و انسان‌ها وجود دارد، رفتار فیزیولوژیک، مثل سرخ و زرد شدن و... رفتار ارادی قابل مشاهده، مثل همه رفتارهای روزمره‌ای که تصمیم می‌گیریم و انجام می‌دهیم، رفتارهای بازتابی غیر ارادی، مثل تیک‌ها و لغزش‌های کلامی و...

اسلامی، اخلاق اسلامی، کلام اسلامی، فقه اسلامی، و...؛ در این قدم ضرورت دارد این علوم اسلامی، با همدیگر، هماهنگی داشته باشند و همدیگر را نفی نکنند. این دو مرحله به مقدار زیادی انجام شده‌اند و همواره این تلاش ادامه دارد؛ اما نمی‌توانیم، در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش و پرورش، قوه قضاییه، بازار، و...، از همین آموزه‌ها به قور مستقیم استفاده کنیم، اینها به قور مستقیم، پاسخگوی نیازهای کاربردی جامعه و زندگی امروزی ما نیستند؛ مرحله بعد این است که از دل این علوم اسلامی، نظام‌واره‌های علوم انسانی کشف و استخراج شوند. همان‌گونه که شهید سید محمدباقر صدر با ارائه آثاری همچون فلسفتنا، اقتصادنا و مجتمعتنا، در این جهت تلاش‌هایی کرد. این قدم، باید در مورد همه علوم انسانی این روزگار برداشته شود، در هیچ‌یک از رشته‌های علوم انسانی، کسی مدعی نشده نظام‌واره کاملاً اسلامی ایجاد شده است. تا زمانی که این نظام‌واره‌ها به قور کامل کشف و استخراج نشده، در کنار هم قرار نگرفته و همدیگر را به لحاظ مفهومی و انتزاعی، کامل نکرده باشند، زندگی افراد، گروه‌ها و جوامع، اسلامی نمی‌شود. روان‌شناسی نیز در همین مرحله قرار دارد، تا وقتی نظام روان‌شناختی مبتنی بر آیات و روایات را کشف و استخراج نکرده باشیم، نمی‌توانیم شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای روان‌شناختی افراد و نهادهای اجتماعی را مبتنی بر اسلام شکل دهیم. در این کتاب، تلاش شده است تا گوشه‌هایی از این نظام روان‌شناختی کشف و استخراج شود.

روش‌شناسی روان‌شناسی با رهیافت قرآنی

روش در روان‌شناسی اسلامی از روش تجربی صرف تعمیم پیدا می‌کند؛ هر روش معرفتی که در دسترس بشر قرار دارد و بشر در حیطه‌ای از معارف خود، آن را پذیرفته و از آن استفاده کرده و آمادگی دفاع از آن را دارد، در مطالعات «معرفت روان‌شناختی» نیز قابل استفاده است؛ این روش‌ها اعم هستند از تجربه درونی و بیرونی، پیمایش میدانی و تاریخی، استدلال عقلی، تعبیر نقلی نسبت به آنچه منبع معقول دارد، تحلیل محتوای متون دینی و... . آنچه اینجا بر آن تأکید می‌شود این است که روان‌شناسی با رهیافت قرآنی خود را در روش تجربی بیرونی محدود و محصور نمی‌کند، بلکه از هر روش اثبات‌شده‌ای بهره می‌گیرد تا به دستاورد دقیق‌تر، کامل‌تر و صحیح‌تر برسد؛ برای مثال، وقتی از انگیزه خواب و بیداری بحث می‌شود، منعی نیست که در کنار انجام مطالعات تجربی و عصب‌شناختی، روش‌های شهودی، عقلی، نقلی، پیمایش میدانی و...، نیز به کار گرفته شوند، در کنار اینها، ابعاد روان‌شناختی دیگری مثل، «رؤیای صادقه»،

«چرخه خواب»، «انواع رؤیا»، «تعبیر رؤیا» و... نیز مورد بحث قرار گیرند. منعی نیست که وقتی امواج مغزی و ارتباط آنها با خواب "REM"^۱ و "NREM"^۲ بررسی می‌شوند، آیات قرآن هم بررسی شود که خواب را به مرگ موقت تشبیه می‌کند؛^۳ با این‌گونه مطالعات، درنهایت با یک جامعیت بیشتری، راجع به ظرفیت روان‌شناختی انسان در باب خواب و بیداری و رؤیا اتخاذ نظر می‌شود. در بررسی بسیاری از مفاهیم روان‌شناختی که در اسلام وجود دارد، از روش‌های یادشده استفاده شده است. برای مثال، برخی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی را از این قریق کشف و استخراج کرده‌اند (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۲).

قابل یادآوری است که در «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، «روش»، معیار روان‌شناختی بودن یا نبودن مباحث نیست؛ بلکه هر بررسی‌ای که به توصیف مربوط شود، تبیین، پیش‌بینی و تغییر رفتار و تجلیات روانی انسان، روان‌شناختی خواهد بود و در روان‌شناسی اسلامی جای می‌گیرد.

جایگاه روان‌شناسی با رهیافت قرآنی در میان علوم

بررسی جایگاه روان‌شناسی در میان علوم دیگر، دارای دو بُعد تاریخیچه‌ای بُعد جاری است؛ در بُعد تاریخیچه‌ای، ارسطو و فلاسفه یونان، علم‌النفس را بخشی از قبیعیات دانسته و بخشی دیگر از مسائل روان‌شناسی را در مجموعه علوم عملی بحث کرده‌اند؛ رواقیان نیز مسائل روانی را بخشی از قبیعیات دانسته‌اند. جابر بن حیان؛ مسائل روان‌شناسی را در زمره علوم عقلی الهی جای داده است؛ کندی از ارسطو تبعیت کرده است (م ۲۵۲ق/ ۸۶۶م)؛ فارابی مسائل روان‌شناسی را از جمله علوم قبیعی می‌داند که مرتبط با علوم الهی هم هست (م ۳۳۹ق/ ۹۵۰م)؛ ابن‌سینا مسائل روان‌شناختی را میان علوم قبیعی و علوم عملی (اخلاق، تدبیر منزل، سیاست) می‌بیند (م ۴۲۸ق/ ۱۰۳۷م)؛ غزالی مباحث مربوط به جوهر نفس را از علوم مکاشف (نظری) و مباحث مربوط به پدیده‌های روانی را تحت عنوان «علم به احوال قلب» در علوم معامله مطرح کرده است (حجتی، ۱۳۶۰).

در خصوص کیفیت ارتباط روان‌شناسی اسلامی، با دیگر علوم اسلامی، قدری نیاز به تأمل و دقت است. به‌اختصار اشاره‌ای به بعضی ارتباطات می‌شود.

1. Rapid Eye Movement

2. Non Rapid Eye Movement

۳. «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...» (زمر، ۴۳).

فقه با وظایف رفتاری مسلمانان در ابعاد مختلف زندگی سروکار دارد؛ بنابراین، از دو جهت ممکن است از روان‌شناسی اسلامی بهره گیرد؛ الف) از یافته‌های روان‌شناختی می‌شود در فرایند اجتهاد و استنباط احکام الهی به عنوان بخشی از استدلال استفاده کرد؛ برای مثال، ممکن است مجتهدان برای معلوم ساختن سن تکلیف نوجوانان دختر و پسر، افزون بر آیات و روایات و استدلال‌های دیگری که ما را به «سن تقویمی» راهنمایی می‌کنند، با شناسایی دقیق ویژگی‌های روانی دختران و پسران در سنین مختلف، مفهوم «سن عقلی» را نیز در فرایند اجتهاد وارد سازند.^۱ از این گونه استفاده‌ها در فقه می‌تواند فراوان باشد؛ ب) بسیاری از موضوعات فقهی همان گونه که با حیثیت فقهی در گروه‌های فقه بررسی می‌شوند، می‌توانند با حیثیت روان‌شناختی نیز در گروه‌های روان‌شناسی بررسی شوند؛ برای مثال در فقه، از وجوب یا استحباب «جهاد» و «ایثار»، بحث می‌شود، روان‌شناسی نیز می‌تواند به «توصیف»، «تبیین»، «پیش‌بینی» و «اصلاح» رفتارهای افراد و جوامع در خصوص «جهاد» و «ایثار» بپردازد. روان‌شناسی می‌تواند تبیین کند که افراد در چه شرایط و با چه مقدماتی بیشتر ایثار و جهاد می‌کنند؟ علل و عوامل جهاد و ایثار کردن یا نکردن آنان چیست؟ نگرش اجتماعی مردم درباره جهاد و ایثار چگونه شکل گرفته و چگونه می‌توان آن را تقویت کرد و در جهت رهیافت قرآنی قرار داد؟ درواقع، روان‌شناسی در رهیافت قرآنی به عنوان مکملی برای دیگر علوم اسلامی، از جمله فقه خواهد بود.

فلسفه نیز با روان‌شناسی اسلامی، دو نوع تعامل می‌تواند داشته باشد، الف) موضوعات مشترک دارند، برای مثال، اموری مثل روح و تظاهرات رفتاری آن (رؤیا و تفسیر رؤیا، و بعضی ظرفیت‌های خارق‌العاده که نفس انسانی دارد)، نفس و انواع آن (اماره، لوازمه، مطمئنه)، اموری مثل هیپنوتیزم، دور جنبانی، دور خوانی و...، از موضوعاتی هستند که هم در فلسفه حضور دارند و هم در روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، ولی حیثیت بررسی آنها در این دو حیطه متفاوت است. این گونه مسائل، اگر به تفصیل، بیان شوند، زیاد خواهند بود؛ ب) از آنجا که در «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، «روش»، معیار «روان‌شناختی بودن» مسائل نیست، روش «عقلانی» که از قبل برچسب «فلسفی» خورده است، با روان‌شناسی قرآنی مشترک خواهد بود. روان‌شناسی با رهیافت قرآنی، در «روش» عقلی، دست نیاز به فلسفه هم، دراز می‌کند.

۱. چون فرض بر این است که روان‌شناسی با رهیافت قرآنی شکل گرفته، این گونه استفاده کردن کاملاً توجیه هم خواهد داشت.

روان‌شناسی اسلامی، برخی موضوعاتش را از اخلاق اسلامی می‌گیرد؛ به عنوان یک ابزار مؤثر می‌تواند در خدمت اخلاق و موضوعات اخلاقی قرار گیرد؛ می‌تواند اهداف اخلاقی را عملیاتی سازد؛ آنها را از اهداف کلی به واسطه‌ای و رفتاری تبدیل کند؛ مکانیزم‌های ایجاد، نفی، تقویت یا تضعیف صفات اخلاقی مثبت و منفی را ارائه کند؛ می‌تواند در تغییر رفتار و تغییر نگرش به کمک اخلاق بیاید. می‌تواند افراد و گروه‌ها و جامعه را از حیث اخلاقی، بسنجد و توصیف کند. به سخن بهتر، اخلاق اسلامی، برای پیشبرد اهدافش، نیاز به روان‌شناسی اسلامی دارد.

علم کلام نیز همانند اخلاق از روان‌شناسی اسلامی استفاده می‌کند و بسیاری از موضوعات خود را به روان‌شناسی می‌سپارد تا تحلیل روان‌شناختی شوند و از این رهگذر، در فضای تعلیم و تعلم، و باورپذیری، جایگاه مناسب‌تری بیابند. باورپذیری بسیاری از امور اعتقادی مثل حضور خداوند در زندگی روزمره، امدادهای غیبی، باور به غیب و ترتیب اثر دادن به آن در زندگی روزمره، باور به روح و نفس و کارکردهای آن و بسیاری از امور فراروان و علوم غریبه، با بررسی و تحلیل‌های روان‌شناختی^۱ بسیار آسان‌تر خواهد بود. به همین ترتیب، می‌توان میان روان‌شناسی اسلامی و دیگر علوم اسلامی نیز رابطه‌هایی را شناسایی کرد.

پیش‌فرض‌های روان‌شناسی اسلامی

برای داشتن روان‌شناسی قرآنی، چند پیش‌فرض مطرح است که به بحث درباره آنها نمی‌پردازیم؛ بلکه آنها را به عنوان اصول موضوعه اخذ می‌کنیم:

۱. معرفت نقلی (پیام وحی) برای مسلمانان^۲ دارای اعتبار معرفت‌شناختی است.^۳
۲. «روان‌شناسی در رهیافت قرآنی»، یک «شاخه علمی تجربی» نیست، بلکه یک «شاخه معرفتی» است.

۳. این شاخه معرفتی، از روش‌های مختلف تجربی، عقلی، شهودی، نقلی و... بهره می‌برد.

۱. منظور از تحلیل روان‌شناختی توصیف، تبیین علّی، پیش‌بینی و تغییر است؛ بسیاری از این‌گونه امور اگر به درستی برای افراد توصیف شوند و شکل ظاهری بروز آنها و علل و عوامل زیربنایی و پیامدهای آنها معلوم شود و مصداق‌ها و نمونه‌های آن به صورت روشن بیان شود، برای افراد یک انسجام روان‌شناختی حاصل شده و به باورپذیری آنها کمک خواهد کرد.

۲. بلکه بسیاری از معارف و حیانی، میان همه موحدان و ادیان توحیدی مشترک‌اند.

۳. توضیح اینکه پیام وحی برای موحدان، در ابتدا، با واسطه استدلال عقلی، پذیرفته شده است.

۴. محور وحدت‌بخش «معرفتِ روان‌شناسی اسلامی»، عبارت است از: «روان‌شناختی بودنِ موضوعات و مسائل آن»، نه روش یا هدف، یا امور دیگر.
 ۵. قرآن برای حضور در زندگی روزمره است، پیروان آن، باید تلاش کنند تا در زندگی جاری شود.
 ۶. بخش زیادی از حضورِ دین در زندگی روزمره، امروزه در قالب علوم انسانی (از جمله روان‌شناسی) است.
 ۷. اسلام گزاره‌های اخباری و انشائی دارد و از هر دو نوع، می‌توان حقایق روان‌شناختی را استنباط کرد.
 ۸. فرایند اجتهاد در پاسخگویی به سؤالات، ایفای نقش می‌کند. همان‌گونه که ممکن است میان دو دلیل نقلی، اختلاف وجود داشته باشد و فرایند اجتهاد، آن را حل کند، اگر بین دو دلیل عقلی، یا عقلی و نقلی، یا تجربی و نقلی، یا تجربی و عقلی، و... نیز اختلافی باشد، این‌گونه اختلاف‌ها هم، در فرایند اجتهاد، دیده شده و راه خروج از مشکل معلوم می‌شود.
 ۹. فراهم‌سازی «روان‌شناسی اسلامی»، باید در درازمدت، از کانال اجتهاد و مباحثات علمی فراوان تنقیح شده و به تدریج کامل‌تر شود.
- پیش‌فرض‌هایی مانند مادی‌گرایی، جزئی‌نگری، غیرارزشی بودن، نادیده گرفتن معادباوری و...، نیز در روان‌شناسی معاصر حضور قطعی داشته‌اند و ایفای نقش کرده‌اند که مورد قبول اسلام نیست (ر.ک: غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱).

فرضیه‌های روان‌شناختی در قرآن

- فرضیه، حدس یا گمان اندیشمندانه است درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها، اشیا و متغیرها، که محقق را در تشخیص نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین راه برای کشف مجهول کمک می‌کند؛ اری و همکارانش (۱۹۷۲) چهار هدف برای صورت‌بندی فرضیه ذکر کرده‌اند:
- الف) تبیین آزمایشی فراهم می‌آورد و موجب افزایش معرفت علمی می‌شود؛
 - ب) به صورت ربطی بیان می‌شود و به توصیف رابطه میان متغیرها می‌پردازد؛
 - ج) مجموع فعالیت‌های اجرایی پژوهش را تعیین می‌کند و معرف یک هدف اختصاصی است؛
 - د) چارچوبی برای گزارش نتایج پژوهش فراهم می‌آورد.

اکنون جای این سؤال است که آیا در «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، حضور فرضیه‌های پژوهش نیز متفاوت می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، از دو منظر باید سخن گفت؛ اول، آیا فرضیه و فرضیه‌سازی در روان‌شناسی، دستخوش تغییر می‌شود یا نه؟ پاسخ این است، چنان که مسائل و موضوعات پژوهشی گسترش می‌یابند، به تبع آن، فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه هم گسترش می‌یابد؛ این فرضیه‌ها ممکن است از هر آموزه کوچک یا بزرگ، جزئی یا کلی اسلامی که موضوعی روان‌شناختی تلقی می‌شوند، به دست آیند. دوم، آیا مجازیم از قرآن که وحی الهی است، فرضیه‌ای استخراج کنیم یا نه؟ پاسخ این است که پژوهشگر مسلمان، آیات قرآن را دارای وثوق و حجیت معرفت‌شناختی می‌داند و نیاز به آزمون آن ندارد؛ ولی برای اینکه ایده خود را به زبان علمی به دیگران عرضه کند، می‌تواند آن را در قالب فرضیه و آزمون فرضیه بیان کند؛ پژوهشگر غیر مسلمان باور معرفت‌شناختی به قرآن و آیات آن ندارد؛ بنابراین، او می‌تواند بسیاری از آیات قرآن و داده‌های آن را به عنوان فرضیه تلقی کند و آن را به آزمون بگذارد.^۱ بنابراین، آیات شریفه قرآن از این جهت هم می‌توانند برای پژوهشگر غیر مسلمان، زمینه‌ای باشند برای پژوهش‌های جدید. منظور، آیاتی هستند که ملاک‌های شکل‌دهی فرضیه را در خود دارند.^۲ در قرآن نمونه‌های متعددی از این‌گونه آیات هست؛ برای مثال، چند مورد از آیات قرآن را ذکر می‌کنیم:^۳

– خداوند میان دو متغیر «آسیب دیدن مؤمنان» با «دعا کردن و خواندن خداوند به قور مرتب» و همین قور بین دو متغیر «بر قرف شدن آسیب» با «ترک دعای خداوند» همبستگی اعلام کرده است.^۴

۱. برای آزمون کردن مفاهیم قرآنی، لازم است کل آموزه‌های اسلامی را به عنوان یک سیستم مفهومی تلقی کرده و متغیرهای مختلفی را که در فضای آزمون حضور دارند، ملاحظه کنیم و آزمون در بافت معناشناختی مناسب خودش صورت پذیرد.

۲. بعضی از ملاک‌های تدوین فرضیه عبارت‌اند از: ۱. آزمون‌پذیر باشد، یعنی مفاهیم و متغیرهای مطرح‌شده در فرضیه، قابل تبدیل به تعاریف عملیاتی و واجد شاخص‌هایی برای سنجش باشند؛ ۲. قدرت تبیین داشته باشد، یعنی به گونه‌ای ساخته شود که واقعیت مسئله یا متغیر یا روابط مورد مطالعه را منعکس کند. ۳. همبستگی یا رابطه میان دو یا چند متغیر را بیان کند. ۴. با نظریه‌ای مرتبط بوده و با اصول کلی و دانش موجود هماهنگ باشد. ۵. روشن و دقیق و اختصاصی باشد. ۶. فارغ از مفاهیم ارزشی و اخلاقی، بلکه ناظر بر واقعیت و حقیقتی باشد که محقق قصد کشف آن را دارد.

۳. از این نمونه آیات، که غیر مسلمانان می‌توانند از آنها، تلقی فرضیه‌ای داشته باشند، زیاد هست.

۴. «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّكَانَ لِمَ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ...» (یونس، ۱۲).

- در آیه دیگر در همین موضوع، میان «آمدن مشکل» با «دعا و زاری به درگاه خدا» و نیز میان «فراوانی نعمت» با «فراموشی دعا و زاری» هماپندی و همبستگی قرار داده است.^۱
- در آیه‌ای دیگر میان «مجاهدت و تلاش در راه خداوند» با «هدایت شدن و یافتن راه مورد رضایت خداوند» اعلام هماپندی و همبستگی کرده است.^۲
- خداوند بین دو متغیر «وسعت روزی برای بندگان» با «عغیان و ستم کردن آنان در زمین» همبستگی اعلام کرده است.^۳

موضوعات روان‌شناختی قرآنی

در «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، معیار وحدت‌بخش این شاخه معرفتی، عبارت است از موضوع آن. در اینکه موضوع روان‌شناسی چیست، سخنان زیادی گفته شده و مکاتب نیز جهت‌گیری‌های خود را داشته‌اند؛ برای روان‌شناسی اسلامی نیز تاکنون موضوعاتی مثل «نفس»، «روح»، «فطرت»، «عمل»، و... گفته شده است (غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱)؛ ولی وقتی بخواهیم کل روان‌شناسی را به عنوان یک شاخه علمی (مشمول بر موضوع، روش، مسائل، هدف، مفاهیم اساسی و...) به آموزه‌های قرآنی ارائه کنیم و تغییرهای حاصل شده در آن به وسیله مفاهیم قرآنی را به رسمیت بشناسیم و آن را در جایگاه یک معرفت قرآنی ببینیم، در این صورت به نظر می‌رسد «روح» به عنوان موضوع، قابل پذیرش نباشد، چون فقط به بُعد تجردی نفس نظر دارد و بُعد ارتباطی آن با بدن و تجلیات رفتاری آن را شامل نمی‌شود. «فطرت» و «عمل» نیز هر کدام فقط بخشی از مسائل روان‌شناسی را پوشش می‌دهند، اما «نفس» می‌تواند موضوع روان‌شناسی اسلامی تلقی شود.^۴ موضوع روان‌شناسی اسلامی باید جامع همه زیرموضوعات باشد؛ ضمن

۱. «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ...» (زمر، ۹).

۲. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹).

۳. «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ...» (شوری، ۲۸).

۴. بیان مطلب این است که در روان‌شناسی اسلامی، به روح از حیث روح بودن پرداخته نمی‌شود؛ حتی اگر صحبت از «معراج» هم می‌شود، مربوط به زمان حیات پیامبر(ص) است که روح به بدن تعلق دارد و میان مردم برمی‌گردد و آثار معراج زمینی می‌شود. تجرید نفس و رؤیای صادقه و طی الارض و... مربوط می‌شود به زمان حیات و تعلق روح به بدن، که از آن به «نفس» یاد می‌شود. اموری که به بُعد تجردی نفس مربوط شود و هیچ ربطی به بدن نداشته باشد، مورد مطالعه روان‌شناختی قرار نمی‌گیرد؛ به سخن دیگر، روح انسان پس از مرگ هم حضور دارد، اطلاعاتی در متون دینی درباره آن هست، درباره عوالم دیگر و منازل الآخره و قیامت و بهشت و

اینکه موضوعات روان‌شناسی معاصر را پوشش می‌دهد، باید از زیر موضوعاتی مثل «معراج»، «رؤیای صادق»، «تجربید روح»، «قی‌الارض» «سحر»، «امدادهای غیبی»، «ایشارگری»، «حضور مشیت الهی در زندگی روزمره» و... نیز خالی نباشد. با این ملاحظات، به نظر می‌رسد می‌توان «نفس» را دربردارنده «فطرت» و «عمل» و نیز «بعد تعلقی روح» دانست، بنابراین، می‌توانیم «روح» و تجلیات و آثار روحی را نیز به «نفس» نسبت دهیم و «نفس» را دارای جامعیت لازم دانسته و آن را موضوع «روان‌شناسی اسلامی» تلقی کنیم در این صورت، ریزموضوعات آن بسیار گسترده خواهند بود.

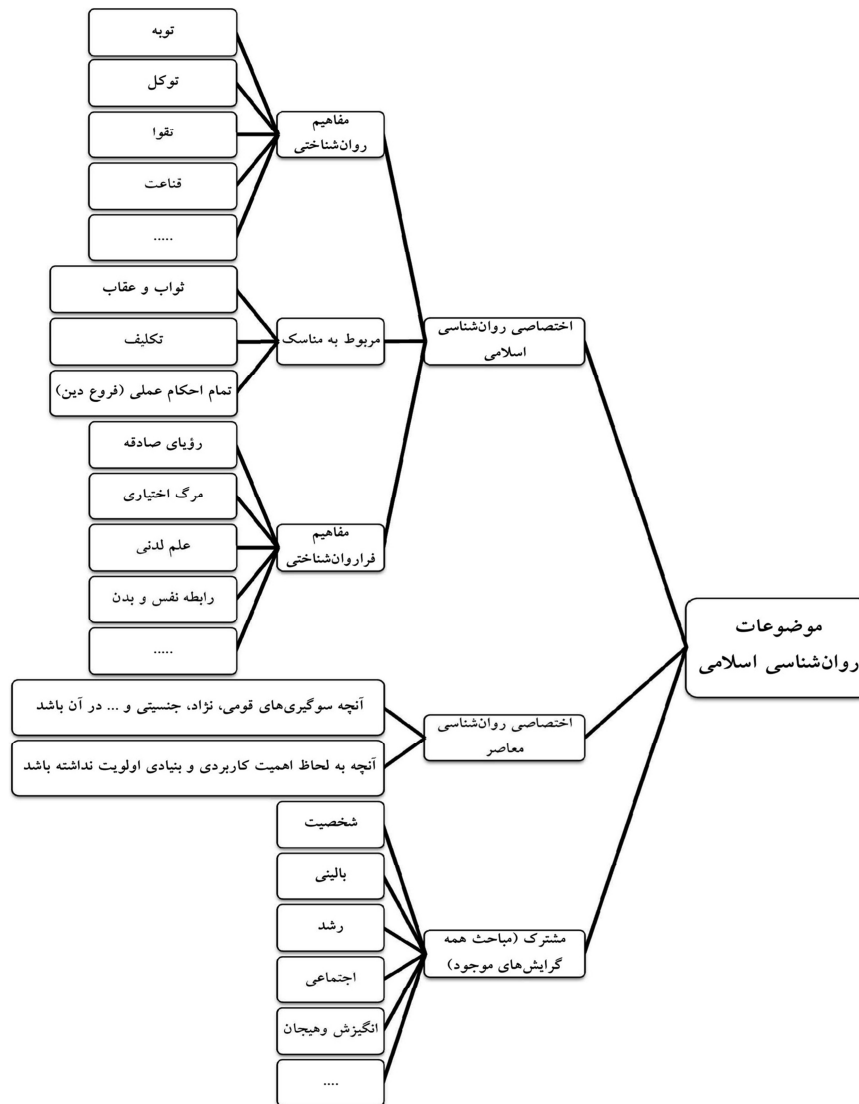
موضوعات ریز علم روان‌شناسی معاصر به قدری وسعت دارند که نمی‌شود انتظار شمارش آنها را داشت. جمع این موضوعات در کنار یکدیگر، یک دایره المعارف بزرگ روان‌شناسی شکل می‌دهد، ولی می‌توان برای ارائه دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی و موضوعات آن و تفاوت آن با روان‌شناسی معاصر، به یک تقسیم‌بندی سه‌گانه اشاره کرد (شکل شماره ۱-۱).

الف) موضوعاتی که در روان‌شناسی معاصر به آنها پرداخته شده اما ممکن است در روان‌شناسی قرآنی از اولویت برخوردار نباشند، یا دارای سوگیری‌های قومی، جنسیتی، نژادی، اقتصادی، سیاسی، سوگیری در مبانی، در گزینش مسئله، سوگیری ناشی از نظریه‌ها، روش‌ها، و مفاهیم... باشند (غروی و آذربایجانی، ۱۳۹۱).

ب) موضوعاتی که هم در روان‌شناسی معاصر مطرح بوده و هم در روان‌شناسی اسلامی دارای اولویت است مثل: همه مباحث و مفاهیم اساسی مکاتب و گرایش‌های مختلف که می‌شود با مراجعه به فهرست مطالب کتاب‌ها و دانشنامه‌های روان‌شناسی ملاحظه کرد، یا موضوعاتی پراکنده که به تناسب علاقه‌های هر استاد، دانشجو یا پژوهشگر روان‌شناسی ممکن است به ذهن بیاید.^۱

جهنم، ثواب و عقاب و... اطلاعات زیادی هست که مربوط به روح انسان می‌شود؛ ولی اینها اصلاً مورد مطالعه روان‌شناختی واقع نمی‌شوند.

۱. برای مثال، بعضی از آنها را نام می‌بریم؛ مثل: عزت نفس، آرامش روانی، حزن، خوف، امید، قناعت، صبر، بیم، امید، مرگ، غم، شادی، کار و تلاش، موضوعات فراوان فراروان‌شناسی، عواطف، تبلیغات و جنگ روانی، پیری، آرزو، عشق، معیارهای سلامت روان، بازی، اعتماد به نفس و عزت نفس، خانواده، جاذبه‌های میان‌فردی، پرخاشگری، همنوایی، برداشت اولیه، اسناد، قوای انسان، هشیار و ناهشیار، بیماری‌های روان - تنی، انسان کامل، بهداشت روانی، محبت، تحسین و تلقین، سرگردانی و حیرت، میل جنسی و...



شکل ۱-۱: ریزموضوعات روان‌شناسی اسلامی

ج) موضوعاتی که در روان‌شناسی معاصر مطرح نشده‌اند، اما در روان‌شناسی با رهیافت قرآنی به آنها پرداخته می‌شود، این‌گونه موضوعات نیز زیادند. برای مثال، می‌توان به موضوعاتی مثل؛ توبه، توکل، قناعت، تقوا، تواضع، مهربانی با مؤمنان، برخورد شدید با کفار، زهد، تقدس، علوم